

# ۲۸۷ - ای یاران رحمانی و دوستان حقیقی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۲۸۷ - ای یاران رحمانی و دوستان حقیقی

ای یاران رحمانی و دوستان حقیقی، مدتی بود که از آن سامان، خطه مبارکه زنجان رانحه مشک جان و نفعه رحمان بمشام مشتاقان نرسیده و از این جهت احزان مستولی بود تا آنکه ناهض بر اعلاء کلمه الله و حافظ عهد و میثاق الله جناب حاجی واعظ بآن دیار شتافت. الحمد لله بحض ورود حالت دیگر مشهود شد قدری اهتزاز و حرکت حاصل گشت بیخبران به تجسس و فخص برخاستند برخی از عالم نقص رهائی یافتند و بعضی مقبل شدند و حزبی متحیر ماندند و کسانی متردد گشتند. علی العجالة احبای قدیم مانند گل و لاله ساغر محبت الله بدست گرفته و از صهبای معرفت الله در آن انجن بانگ نوشانوش بلند شد جشنی بر پا گردیده و بزمی آراسته شده محفل روحانی تشکیل گردیده و دلبر نورانی شمع انجن شده یوسف حقیقی در آن بزم در نهایت صباحت و ملاحظت جلوه نموده لهذا از آن خطه و دیار نفعه مشکبار بمشام مشتاقان رسید.

”بوی آن دلبر چو پَران میشود این زبانها جمله حیران میشود“

ای نفعه ربّانی و ای نسیم جانپرور ربّانی و ای صبای گلشن الهی، قصد آن دیار نما و بر بوم و بر زنجان قربانگاه شهیدان مرور کن و تحیت مشتاقانه عبدالبهاء برسان و مشام یاران معطر کن و بگو:

ای دوستان حقیقی اسم اعظم و یاران رحمانی جمال قدم، شکر حضرت پروردگار را که در این عصر انوار و قرن اسرار به عرصه وجود قدم نهادید و در ظلّ ممدود در آمدید و به سرّ وجود پی بردید و بنور محمود مهدی گشتید چقدر عزیز بودید که فرهنگ و تمیز یافتید. بسا نحریر آفاق محروم گشتند و شما محرم اسرار شدید و چه بسا مدعیان عرفان در بادیه فراق گمگشته و سرگردان ماندند و شما به خلوتگاه نیر آفاق راه یافتید این چه موهبتی است و این چه عنایتی است و این چه هدایتی. بشکرانه این الطاف پردازید و به وصایا و نصایح یگانه



ORIGINAL



AUDIO

آفاق قیام کنید و به آنچه در زیر و الواح منصوص عمل نمائید و به خلق و خوی اهل بهاء پردازید از هر سروری جز بشارت الله بیزار گردید و از هر راحت و آسایشی جز در پناه حق کتاره جوئید درخت بارور شوید و اختران افق انور گردید خادمان حق شوید و فدائیان آن دلبر در خاور و باختر گردید به خلق و خوی بهائی باشید و به جان و دل ربّانی گردید دشمنان را دوستان شمردید و بدخواهان را خیرخواه دانید جفاکاران را وفاکار شمارید نادانان را دانا گان کنید و وحشیان را مونس دل و جان پندارید یعنی به گنهکار و جفاکار و دشمن خونخوار چنان رفتار نمائید که به یار وفادار و همدم اسرار معامله مینمائید. مقصود اینست که خیر محض باشید و موهبت صرف نظر به لیاقت و استحقاق خلق نمائید. در هر دور و کوری امر به محبت و مدارا وارد ولی بهانه‌ای در میان بود و آن استحقاق و عدم استحقاق که فلان شخص مبغض و مدبر است و فلان مرد خونخوار و متنفر و اگر عفوی در میان بود شماتت و ملامت نیز با عفو و سماحت همعنان ولی در این دور جمیع این امور منسوخ و محبت و مهربانی از دل و جان با جمیع ملل منصوص.

